

شب، روز روز می‌شود...



**رقیه توسلی:** حساب بعضی چیزها جداست واقعاً و قصه‌شان فرق می‌کند با بقیه. جوری که می‌توانی ساعت‌ها در معیتشان خلوت کنی و دلت، غنچه‌شان را بزنی.

شکل همین چادر گلدار سوغات خاله جان... عطر یاسی که دوست طلبه نروزی فرستاد به آدرسم... مثل پَر کیبوترانی که پارسانی «فرید» از صحن انقلاب به نیتم جمعشان کرد... و مثل صدای ضبط شده خانچان که صلوات خاصه می‌خواند.

این روزها که منام در خانام، بیشتر به گنه زندگی فکر می‌کنم. اینکه چند صباح عمر چه کلکسیون بیکرانی از خوشی و ناخوشی، دیدار و دلنگتی، خواستن‌ها و نرسیدن‌هاست.

چادر چیت گلدار را می‌کشم روی سرم و دو پیس از عطر «آته‌جان» می‌زنم روی نیضم. بغض اما قاعده‌بردار که نیست و هروقت اراده می‌آید و حساب دل از باقی داستان‌ها جداست. آخر قرار کرده بودیم اگر صاحبخانه بطلبیمان، اردیبهشت راهی خراسان بشویم... برویم بهشت... پلوس امام.

خُبا! این وسط، قرنطینه و ویروس‌های‌مان کردند که انتخاباتمان را زیاد جدی نگیریم و مطلق ندانیم که همیشه این تقدیر است که حرف آخر را می‌زند.

مثل عاشقی که هوس نخندیدن و کز کردن دارد، دستم می‌کشم روی پر لطیف کیبوترای که نگاهم می‌رود تا قاب عکس خانچان.

غرق تماشایم که بی‌هوا «اللهم صلی علی بن‌موسی الرضا المرتضی، الامام التقی الثقی و حجتک علی من فوق الارض و من تحت الثری» جاری می‌شود در خانه... گوش دل تیز می‌کند... مادر بزرگ است... بی‌هوا لبم وا می‌شود به سلام و دوباره و سه باره سلام می‌دهم به آقا. با تمام وجود می‌فهمم که مادر مدرم اهل پادمیانی کردن است.

انگار به یکباره داخل آن فیلم جای می‌گیرم. همان‌که شیر پاک خورده‌ای دیروز از صحن و سرای مشهدالرضا ارسال کرده به گوشی‌ام.

واقعاً دودار دور کجا بود؟ بعد جغرافیا شکسته می‌شود و می‌روم توس. دانه دانه دروازه‌ها گشوده می‌شوند. پراران و خادمان به صف شده‌اند تا ضریح روحانی. ملاح قرار ندارد و امام رثوف را روی چشم شعرهایم می‌گذارد و شب، روز روز می‌شود.

یک دل سبیر زیارت می‌کنم و نوشدارو سر می‌کشم. اقیانوس، غم‌هایم را که می‌شویید و طواف که می‌شینید به جاتم، به خودم می‌آیم می‌بینم توی حرم ثامن‌الحجج چه خبرها که نیست...

یا ضامن آهو... الله اکبر... گویی دسته‌جمعی رفته‌ایم زیارت... همه هستند... خاوه‌ری، آفرینش، عروس، آئه، سارا، خاله، عزیز و خانچان.

می‌دانم خواب و رؤیا نیست و پلک‌هایم را که باز کنی توی مشتتم، نور پیدا می‌شود.

**پی‌نوشت:** تو کرشمه‌هایت را بریز کرونا، ما این روزها در خانه می‌مانیم و دست از زیارت نمی‌کشیم!

محسن ذوالفقاری

دو تا نعمت ناشناخته



**جمعه:** کرونا فرصت مناسبی شد برای مطالعه کتاب‌های متفرقه و طولانی. «ملت عشق» یکی از آن دست‌کتاب‌هایی که چند روزی است درگیرش شده‌ام. در چت تلگرامی با یکی از دوستان کتاب‌باز، صحبت از این کتاب شد که گفت: «این تنها رمانی است که من فصل به فصل برمی‌خوانم و دوباره می‌خوانم». پاسخ دادم: «حقیقاً همین‌طور. منم تنها رمانی هست که ازش یادداشت‌برداری می‌کنم».

**شنبه:** در این ایام خانه‌نشینی در حال برنامه‌ریزی برای اتمام پایان‌نامه‌ام بودم که لپ‌تاپم را در دیدند. لپ‌تاپی که ارزش مادی آن هیچ بود و بعضاً به خاطر وضعیت اسفناک‌ش توسط دوستانتام مورد تمسخر قرار می‌گرفتم. ولی ارزش محتوایی آن برایم خیلی زیاد بود. از همین تریبون به جناب آقای دزد محترم می‌گویم: «زنش مادی و محتوایی آن لپ‌تاپ برای شخص شما مساوی است با صفر. اگر آن را برگردانی مؤذگانی بسیار خوبی با عشق تقدیمت می‌کنم... مگر اینکه مثل خودم اهل نوشتن و خواندن باشی... در آن صورت هم لایذ آن قدر مرام داری که به خاطر محتویاتش آن را به من برگردانی».

**یکشنبه:** راننده اسنپ بازنشسته که تازه مشهد را برای شهر زندگی انتخاب کرده است از دلایل ورودش به اسنپ می‌گوید: «۱. با مردم همصنبت می‌شم و از تجربیاتشون استفاده می‌کنم ۲. راه و چاه شهر رو یاد می‌گیرم. ۳. آب باریکه‌ای هست برای خرج زندگی‌ام. با حقوق بازنشستگی تو این دوره زموئه نمیشه زندگی کرد. نتونی پول دربیاری مجبور می‌شی دزدی کنی. خدا نیاره برا هیچ کس...» اسم دزدی را که آورد دلم تازم شد و دیگر نفهمیدم در ادامه حرفش چی گفت.

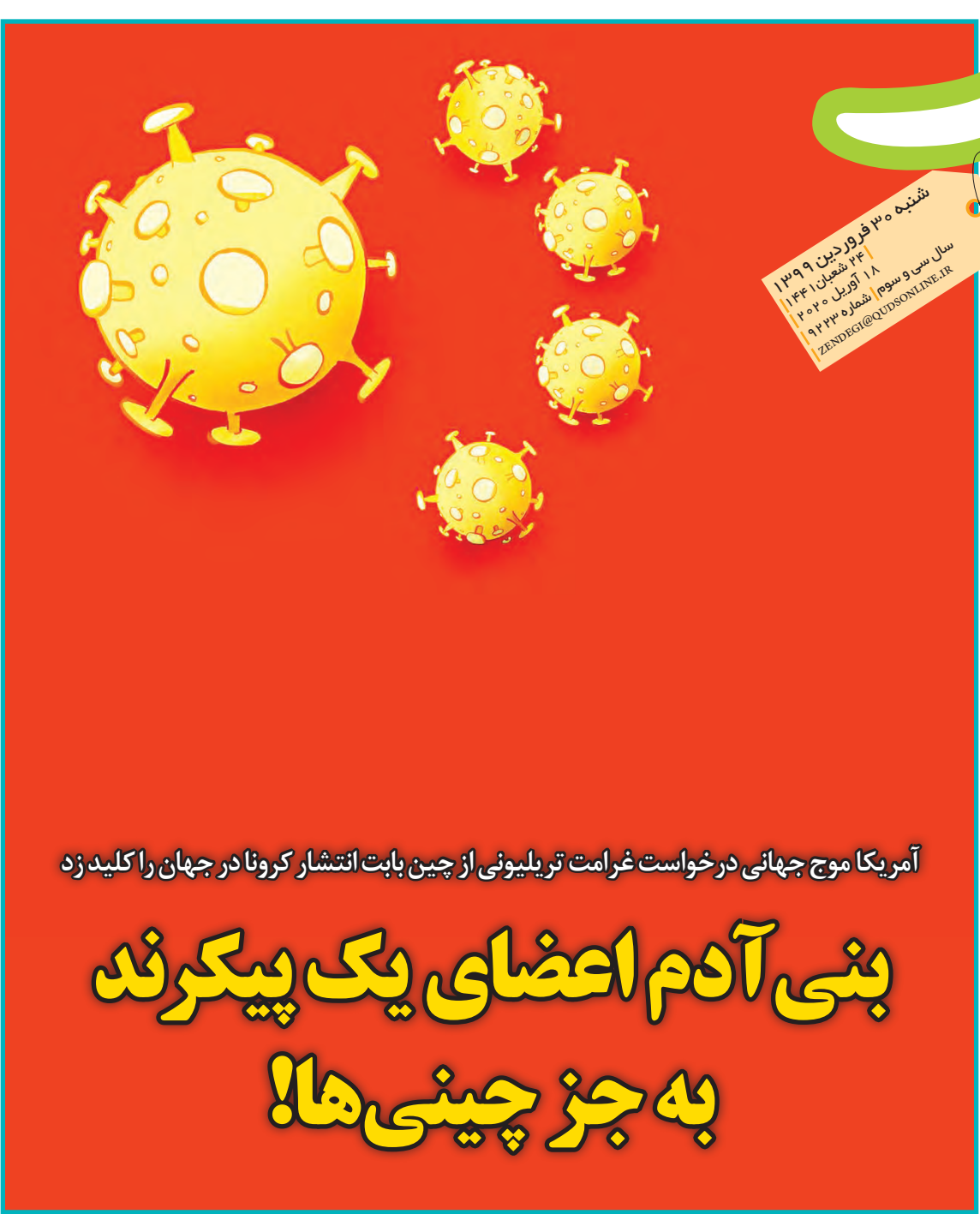
**دوشنبه:** به ساندویچ فروشی محله‌مان سری زدم تا حال و احوالی ببرسم. سرش خلوت‌تر از همیشه بود. کرونا بدجوری بازارش را کساد کرده بود. می‌خواست به دپارش برگردد و گوسفند بگیرد و به چرا برود. سفره دلش باز شد و گفت: «با این وضعیت دیگه اصلاً نمیشه تو شهر زندگی کرد. بد از بدتر شده چند وقت دیگه بگره آدم باید دزدی کنه تا شکم خودش و زن و بچه‌اش رو بتونه سیر کنه...». استغفرالله! چرا این روزها همه درباره دزدی حرف می‌زنند؟ دوباره کلمه «دزدی» مثل پتکی روی سرم فرود آمد.

**سه‌شنبه:** امروز خبر دارم دزدی‌های دیگری نیز در محله ما انجام شده است. همسایه‌مان را دیدم که از دزدی منزل نیمه‌سازش و عدم پیگیری پلیس برام گفت. از این گفت که اثر انگشتش آقا دزده کاملاً پیداست ولی به پناهه کرونا و تعطیلی‌هایش لابد شناسایی اثر انگشت برای پلیس مقدور نیست! مطالعه کتاب «سه دقیقه در قیامت» را به دزدهای نامحترم و پلیس محترم پیشنهاد می‌کنم.

**چهارشنبه:** این روزها در محله ما علاوه بر نگرانی برای کرونا، نگرانی دزدی هم افزوده شده است و همسایه‌ها هر شب بالای پشت‌بام‌ها کشیک می‌دهند. امروز حدیث «لنعمتان مجهولتان الضحّة و الامان» را به صورت عینی برایشان تداعی شد.

گفت‌وگو با شاهین رهنما، شاعر و نویسنده نوجوانان

نویسنده‌ها و فاصله نجومی با نوجوان امروزی



شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۹  
۱۴۴۱ شهبان ۱۴۴  
۲۰۲۰ آوریل ۲۰۲۰  
شماره ۹۱۲۳۳  
ZENDEGI@QJSDONLINE.IR

آمریکا موج جهانی در خواست غرامت تریلیونی از چین بابت انتشار کرونا در جهان را کلید زد

بنی آدم اعضای یک پیکرند  
به جز چینی‌ها!

**امجد تربت‌زاده:** احتمالاً دل شما هم کم و بیش از عملکرد بعضی از فروشگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های مختلف بازگانی در سواستفاده از کرونا پر است. چه آن فروشگاه‌هایی که کرونا را بهانه کرده‌اند برای افزایش فروششان و چه آن‌هایی که مشکلات اقتصادی مردم در این روزها را دستاویزی برای سودجویی بیشتر قرار داده‌اند. بد نیست اما بدانید که سواستفاده از کرونا به همین موارد جزئی محدود نمی‌شود و برخی از دولت‌ها و حتی سازمان‌های جهانی هم تور را آماده کرده‌اند تا در این اوضاع کرونایی، تا جایی که می‌توانند از آب گل آلود ماهی بگیرند. نمونه‌اش برخی از کشورهای غربی که به همت رسانه‌هایشان، از مدت‌ها پیش قلابشان را بند چین کرده‌اند و در عین متهم کردن این کشور به پنهان‌کاری درباره شیوع اولیه کرونا، امکان خارج شدن ویروس جدید کرونا از یک آزمایشگاه ویروس‌شناسی چینی را مطرح می‌کنند.

پای یک اندیشکده بریتانیایی در میان است

بحث شکایت و دریافت غرامت از چین، اوایل ماه آوریل، یعنی حدود دو هفته پیش به طور جدی مطرح شد. آن زمان یک اندیشکده بریتانیایی در گزارشی مفصل، علاوه بر تشریح زمینه‌های حقوقی شکایت از چین برای دریافت غرامت، مبلغ این غرامت را هم مشخص کرد. البته پیش از این هم، زمانی که بحران کرونا به‌تازگی در نقاط مختلف جهان به خصوص اروپا بالا گرفته بود، محافل اطلاعاتی و رسانه‌های غربی ادعا می‌کردند اوضاع وخیم فعلی، نتیجه اهمال و پنهان‌کاری دولت چین بوده و بنابراین، مسئول پیامدهای گوناگون این بیماری است.

ماجرای چه قرار است؟

بر اساس گزارشی که سایت «فارو» منتشر کرده، اندیشکده «انجمن هنری جکسون» که آغازکننده جریان جهانی متهم کردن چین بود، در گزارش ۴۴ صفحه‌ای خود، دولت چین را به نقض مقررات سلامت بین‌المللی در جریان مدیریت بیماری کووید ۱۹ متهم کرده و راه‌های دریافت غرامت را مورد بررسی قرار داده است.

همه چیز از آزمایشگاه «ووهان» آغاز شد؟!

«فاکس نیوز» با را از این هم فائز گناشته و مدعی شده یکی از کارکنان آزمایشگاه ووهان که مشغول کار روی ویروس کرونا بوده، به این ویروس آلوده شده و پس از آن، ویروس را در شهر ووهان گسترش داده است!

زمان اتهام‌زنی خواهد رسید!

البته فقط رسانه‌ها نیستند که برای جهت‌دهی به افکار عمومی، وارد میدان شده‌اند. چهره‌های شخص سیاسی و مسئولان کشورهای مختلف هم با اشاره‌های پنهان و آشکارشان به این موضوع، سعی می‌کنند روز به روز چین را بیشتر از پیش زیر فشار قرار دهند.

جهت‌دهی به افکار عمومی

اگرچه ادعاهای این اندیشکده بریتانیایی هنوز مورد تأیید

مشل پمپو که در گفت‌وگویی با روزنامه آلمانی بیلد، به‌صراحت احتمال شکایت از چین را مطرح کرده است. وزیر امور خارجه ایالات متحده از پنهان‌کاری چینی‌ها حسابی شکایت کرده و از رسانه‌ها خواسته چین را همچنان متهم ردیف اول انتشار کرونا در جهان نگه دارند! وزیر خارجه آمریکا در پاسخی به این پرسش که آیا چین باید برای خسارت‌های ناشی از کرونا غرامت دهد هم اعلام کرده که در حال حاضر باید بر بازگشایی اقتصاد آمریکا و جهان تمرکز کرد، اما زمان اتهام زنی فراخواهد رسید!

همه با هم علیه چین

حالا که به قول آقای پمپو زمان اتهام زنی رسیده، سؤال اصلی این است که غرامت مدنظر غربی‌ها چقدر است؟ انجمن هنری جکسون می‌گوید غرامت‌های چین به خاطر کرونا فقط به کشورهای عضو گروه هفت، ممکن است به ۴ تریلیون دلار برسد. البته در مورد اینکه چین چقدر باید غرامت دهد، هنوز هیچ برآورد رسمی وجود ندارد. اما برآوردهای غیررسمی مثل برآورد انجمن هنری جکسون، حاکی از این است که این غرامت ممکن است متضمن پرداخت تریلیون‌ها دلار باشد.

پس از بالا گرفتن تب شکایت از چین اما علاوه بر کشورهای عضو گروه هفت، کشورهای دیگر هم یکی پس از دیگری در صف غرامت‌گیری از چین قرار گرفته اند! مثلاً یک وکیل مصری به‌تازگی از دولت چین خواسته است بابت خسارت‌های کرونا، ۱۰ تریلیون دلار به مصر غرامت پرداخت کند. محمد طلعت، وکیل معروف مصری که معتقد است کرونا یک سلاح بیولوژیک است، از رئیس جمهور کشورش خواسته این پرونده را پیگیری کند.

علاوه بر این، تعدادی دیگر از شرکت‌های حقوقی در آمریکا هم از دولت چین شکایت کرده و خواستار دریافت غرامت شده‌اند. بر اساس گزارش سایت فارو، یکی از این شرکت‌ها در فلوریداست که علیه نهادهای متعدد چینی از جمله دولت محلی ووهان شکایت کرده و آن‌ها را به اهمال‌کاری و پنهان‌کاری در مقابله با کرونا متهم می‌کند. همچنین، چهار شاکای در کالیفرنیا، از چین شکایت کرده و خواستار دریافت تریلیون‌ها دلار غرامت شده‌اند.

موج درخواست غرامت از چین اما از سوی رسانه‌های چینی بی پاسخ نماند. پس از بالا گرفتن موج انتقادهای از چین، بالاخره رسانه‌های چین به این درخواست‌ها واکنش نشان دادند. روزنامه دولتی گلوبال تایمز چین، یکی از همین رسانه‌ها بود که در یادداشتی آمریکا را متهم کرد که از چند وکیل خواسته از دولت چین شکایت کند.

چین شکایت کند. گذشته از این حواشی، چیزی که حسابی توی ذوق می‌زند، حرکت رسانه‌های بزرگ دنیا به سمت متهم جلوه دادن چین، در این روزهای بحرانی است. انگار سیاستمدارهایی که در گوشه و کنار جهان انگشت اتهامشان را به سوی چین‌ها گرفته‌اند، فراموش کرده‌اند که تا همین چند وقت پیش دائم مردم را به دور ریختن کدورت‌ها و همدلی دعوت می‌کردند.

این سیاستمدارهای محترم که خیلی‌هایشان بارها عمومی، وارد میدان شده‌اند. چهره‌های شخص سیاسی و مسئولان کشورهای مختلف هم با اشاره‌های پنهان و آشکارشان به این موضوع، سعی می‌کنند روز به روز چین را بیشتر از پیش زیر فشار قرار دهند.

اینک آخرالزمان



**قدس زندگی:** منظورمان این نیست به پیروی از پست‌ها و مطالبی که هم‌زمان با شیوع کرونا در فضای مجازی منتشر شد، سروسزدا راه بیندازیم که با وجود سیل‌های پی در پی، زلزله، جنگ، احتمال برخورد شهاب سنگ با زمین و حالا هم کرونا قطعاً و حتماً یعنی دنیا به آخر رسیده و باید همین حالا همه چیز را ول کرد و برای قیامت آماده شد.

در کنار جنجال‌ها و هیاهوی برخی‌ها در فضای مجازی یک حقیقت البته وجود دارد که کرونا به هر حال انسان را متوجه خیلی چیزها کرد. مطلب زیر را «کیم هاینس ایتزن» استادیار دانشگاه «کرنل» و پژوهشگر آخرالزمان و البته نقاش امیدواری در پشت سر گذاشتن بحران‌ها نوشته است: «ایده فرا رسیدن آخرالزمان، در دوران رنج‌های فاجعه بار، هزاران سال است که وجود داشته است.

این تحقیقات هم در مورد آخرالزمان‌گرایی و تاریخ طولانی آن، حکایت از این دارد که کاشتن بذر امیدواری در دل‌ها در دوران آشوب و پریشانی، امری ضروری است. البته با خالی شدن خیابان‌ها، بر شدن بیمارستان‌ها و سردخانه‌هایی که با مشکل جای دادن تمام اجساد مردگان دست و پنجه نرم می‌کنند، تعجبی ندارد که عده‌ای از مردم وضعیت موجود را با آخرالزمان مقایسه کنند.

در آخرالزمان‌گرایی یک ویژگی مهم که اغلب نادیده گرفته می‌شود وجود دارد که کمک می‌کند توضیح دهیم چرا این طرز تفکر در سراسر تاریخ و در روزگار خود ما همواره مطرح بوده است.

کلمه آخرالزمان در انگلیسی از واژه یونانی به معنای «فاش شدن» یا «برهلا شدن» گرفته شده است. محققان «آخرالزمان‌گرایی» را به عنوان جنبشی اجتماعی و مذهبی تعریف می‌کنند که جهان را در شرایطی ناخوشایند می‌بیند، مثل مکاشفاتی که نبرد بین خیر و شر و این کار به مردم امید می‌بخشد.

مهم‌تر از همه آنکه تفکر آخرالزمانی در روزگار نامطمئن و چالش‌زنا مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهد».

حفظ اسپانسرها با نظر سنجی‌های بی‌اساس  
کلاه گشادی که AFC  
سر ایرانی‌ها می‌گذارد

میلیج در گفت‌وگو با قدس:

خودم را برای شروع لیگ  
آماده نگه داشته‌ام



سایت ترانسفر مارکت

استقلال را دوم و شهر خودرو را دهم اعلام کرد

«پرسپولیس»

گران‌ترین تیم ایران









میراث نیاکان

annotation@qudsonline.ir  
حسن احمدی فرد، روزنامه‌نگار و پژوهشگر

### اسطوره باران

در فلات نیمه‌خشک ایران، در همه تاریخ، بارش باران، اتفاقی حیات‌بخش و برکت‌دهنده بوده است. پدران و مادران کشاورز ما از هزاره‌های پیشین، چشم به آسمان داشتند تا ابرهای باران‌آور، برکت را بر کشت و کارهایشان ببارانند. همچنان که پیش از این نوشتیم، بسیار پیشتر از آن که اقوام دامدار آریایی، به فلات ایران کوچ کنند، اقوام بومی ساکن این نواحی، به «یزدی شهیدشونده» معتقد بودند که هر سال در آغاز باران‌های بهاری(نوروز) جان می‌گرفت و در پایان فصل گرم و خشک جان می‌داد. پدران و مادران ما، با گریه بر این آیزد شهیدشونده و برای عزاداری‌های جمعی، زمینه حیات دوباره او را فراهم می‌آوردند و از این جا «گریه‌مقدس» در این سرزمین مفهوم یافت؛ گریه‌ای که سبب بخشش و آموزش و البته برکت‌آور دانسته می‌شد. در این باور اساطیری، قطره‌های باران، جلوه‌ای از همان قطره‌اشک‌هایی است که در عزای ایزدان، فرو می‌چکد و این باور ریشه‌دار حتی تا امروز روز هم پس‌زمینه باورهای ما، حضور دارد.

**باران‌های موسمی**  
**از همیشه خیس ترند**  
**آیا کسی که بالای سرمان می‌گرید خداوند نیست؟**  
(جواد نجعلی/مجموعه شعر در پی پاشنه اندوه)

آیین‌های باران خواهی، به‌ویژه در خراسان، یادآور همین نگرش اسطوره‌ای است. در روز گران پس از آن اما، با تطور اساطیر و گونه‌گونی آن‌ها، و البته با آگاهی بیشتر ایرانیان باستان از چگونگی حرکت کواکب و طلوع و غروب ستارگان، اسطوره «تیشتر» شکل گرفت.

ایزد تیشتر، ایزد باران روز است و با «پوش» دیو خشکسالی که آن‌ها را زندانی کرده، می‌جنگد. تیشتر، اصل همه آب‌ها و سرچشمه تمام چشمه‌های خروشان، اولین ستاره و نماد بارآوری زمین محسوب می‌شود. او به صورت اسبی زین، قدم به دریا می‌گهیایی می‌گذارد تا ابرهای این دریا را بر هفت کلبه بیاراند. اما پوش به شکل اسبی سیاه، با او نبرد می‌کند. نبرد پوش و تیشتر، سه شاهرور به طول می‌انجامد و پوش که در دوره بی‌پارانی قدرت یافته، تیشتر را از دریای گهیایی دور می‌کند. تیشتر نزد اهورامزدا گلایه می‌کند که مردم برای من، نیایش نکرده‌اند و قربانی ندادند. اهورامزدا برای او قربانی کرده و مردمان را امر به نیایش می‌کند. آن‌گاه نیروی ۱۰ اسب، ۱۰ شتر، ۱۰ گاو، ۱۰ کوه و ۱۰ رود را در او می‌دمد. تیشتر دوباره به جنگ پوش می‌رود و این بار او را شکست می‌دهد و آب دریای گهیایی را در قالب باران بر اقلیم‌ها می‌باراند. تیشتر، گرز خود را بر آتشی که در ابرها نهفته است، می‌کوبد و وعده برق پدید می‌آید و دیوی که در ابرها پنهان شده، از آن آتش می‌خورشد و هلاک می‌شود.

در منابع زرتشتی، تیشتر، ستاره باران دانسته می‌شود. ظهور هر ساله تیشتر در آسمان، در هزاره‌های پیشین، با آغاز فصل بارش‌ها همزمان بوده است. در این میان اگرچه سیاره تیر هم به تیشتر نسبت داده می‌شود و چهارمین ماه سال هم به نام اوست، اما ستاره تیشتر متفاوت از این سیاره است. ستاره تیشتر پربورترین ستاره آسمان است و در بهار (مثل همین شب‌ها) در افق کوه‌تافت آسمان، کمی پایین‌تر از صورت فلکی «جبار» یا «سنسکارجی»، در صورت فلکی «کلب اکبر» یا «سگ بزرگ» دیده می‌شود. تیشتر یا «شعرا یمانی»، در فرهنگ ایرانی «شباهنگ» نام دارد و به خاطر پربوربودنش، نیز ایزد که در نیمه شب، طلوع می‌کند، در شعر شاعران هم فراوان یاد شده است.

**چو یک پهره از تیر هشب در گذشت / شباهنگ بر چرخ گردان بگشت**  
**سخن گفتن آمد نهفته به راز / در خوابگاه نرم کردند باز**  
**یکی بنده شمی معتبر به دست / خرامان بیامد به بالین مست**  
**دو ابرو کمان و دو گیسو کمند / به بالا به کردار سرو بلند...**  
(شاهنامه/داستان آشنایی رستم و تهمنیه)

به نظر می‌رسد در خراسان، هنوز هم می‌توان از اسطوره تیشتر و پوش رد پایی پیدا کرد. در این گستره از ایران‌زمین، کشاورزها معتقدند اگر در بهار باران نیارد، آسمان «هسته» شده است. آن‌گاه برای رفع این «هستگی»، کله خری مرده را با زغال، سیاه می‌کنند(یادآور پوش) و آن را در آتش می‌افکنند، سپس آن را در تشت آبی می‌اندازند یا بر آن، آب می‌پاشند و معتقدند، بخار آبی که از آن برمی‌خیزد وقتی به آسمان برسد، سبب بارش باران خواهد شد(یادآور فرهای آمدن باران از دریای گهیایی).

### خبر

### بزرگداشت سعدی در فضای مجازی

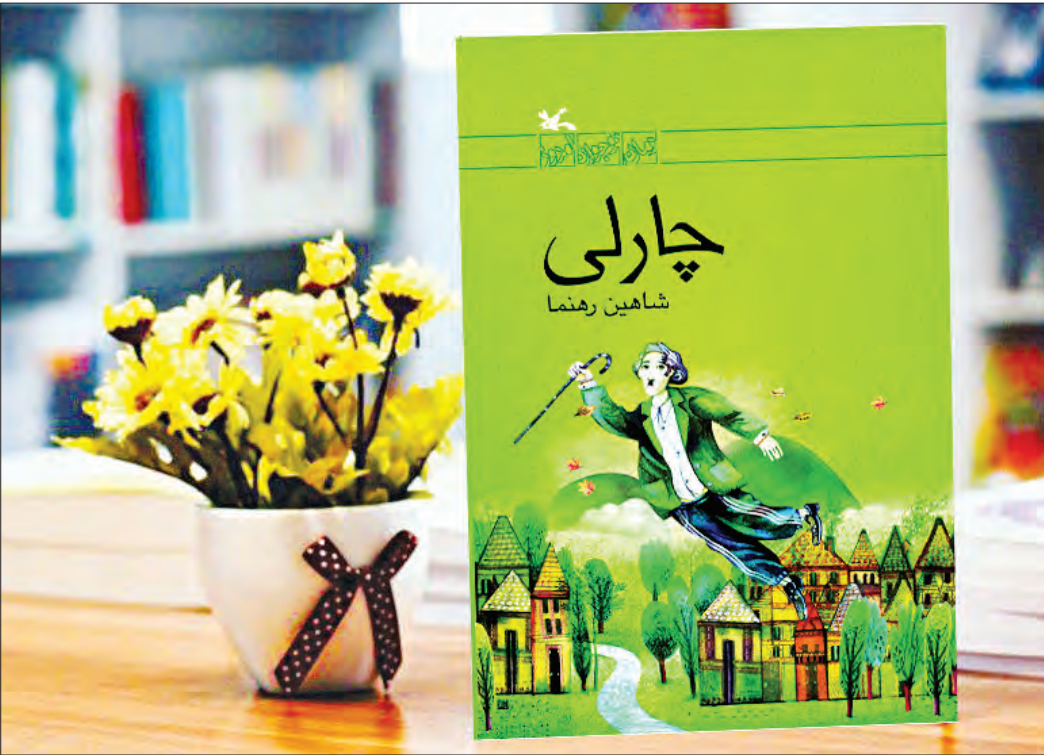
**ایسنا،** مدیر مرکز سعدی‌شناسی در آستانه فرارسیدن اول اردیبهشت‌ماه، با تحلیل وضعیت کنونی ایران و جهان گفت: به دلیل شرایط ویژه کشور، کلیه برنامه‌های مرکز سعدی‌شناسی در فضای مجازی برگزار خواهد شد. این برنامه‌ها از ۳۱ فروردین‌ماه با اجرای زنده گروه موسیقی هم‌نوازان ایران و شعرخوانی و شعرخوانی از ساعت ۲۰:۳۰ در آرمانگاه سعدی آغاز خواهد شد و به مدت هفت روز با سعدی خواهیم بود و هفت حکایت، هفت غزل، هفت کتاب، هفت سخنرانی، هفت قطعه موسیقی و هفت از خوشنویسی از اینستاگرام مرکز سعدی‌شناسی (@sadicshenasi) و دیگر نهاد‌های فرهنگی بخش خواهد شد که اطلاعات دقیق آن پس از این اعلام خواهند کرد.

کوروش کمالی‌سروسستانی افزود: کتابخانه تخصصی سعدی روی سایت مرکز سعدی‌شناسی به رایگان در دسترس قرار خواهد گرفت. دفتر هشتم دوسالانه سعدی‌شناسی نیز که در واقع بیست و ششمین دفتر سعدی‌شناسی است که از سال ۱۳۷۷ تاکنون منتشر شده، به زودی روی سایت مرکز سعدی‌شناسی بارگذاری خواهد شد. همچنین دومین جشنواره ملی گلستان خوانی با همکاری شهرداری شیراز و مؤسسه حدیث آرزومندی برگزار خواهد شد و گروه موسیقی تم تریو کلیپ ویژه روز سعدی را ارائه خواهند داد. شاعران، نویسندگان، هنرمندان، پژوهشگران و مدیران ملی و استانی نیز پیام‌های کتبی و تصویری خود را ویژه یادروز سعدی در سایت‌های مختلف منتشر خواهند کرد.

مدیر مرکز سعدی‌شناسی در ادامه بیان کرد: یادروز سعدی امسال همزمان با چهل‌مین سالگرد گذشت شاعر معاصر ایران، سهراب‌سپهری است و به همین مناسبت به همت مرکز فرهنگی شهر کتاب و با همکاری مرکز سعدی‌شناسی «یک هفته با سعدی و سپهری» از روز دوشنبه اول اردیبهشت‌ماه تا دوشنبه هشتم اردیبهشت‌ماه در فضای مجازی برگزار می‌شود و شاعران، نویسندگان و پژوهشگران از سعدی و سپهری، با ارائه مقاله، یادداشت و پیام تصویری، سخن خواهند گفت. مدیر مرکز سعدی‌شناسی همچنین گفت: خوشبختانه یادروز سعدی به بین خوبی‌ها و زیبایی‌های اندیشه سعدی چون شعر و نامش مورد توجه قرار گرفته و امسال نیز در برخی از شهرهای ایران و جهان، سخنرانی مجازی ویژه بزرگداشت سعدی برگزار خواهد شد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که شرایط ویژه کشور از سویی دیگر هم موجب شده که میزان سخنرانی‌ها و توجه‌ها به سعدی در فضای مجازی بیشتر شود.

### گفت‌وگو با شاهین رهنما، شاعر و نویسنده نوجوانان

# نویسنده‌ها و فاصله نجومی با نوجوان امروزی



سراغ نوشتن رمان نرفتم، من طبق قرارداد سه رمان برای ناشرم نوشته بودم و حتی بخشی از دستمزد اثرم را دریافت کرده بودم، اما تغییرات مدیریتی همه‌چیز را به هم زد و ناشر تمایل به چاپ کتاب‌هایم نداشت.

متأسفانه ماجرای من و ناشرم رسانه‌ای شد و ناشر رضایت داد رمان «چارلی» را چاپ کند، اما با وجود قولی که داده بودند دو رمان دیگرم منتشر نشد. من هم از اینکه دو رمان که بسیار هم دوستشان داشتم روی دستم مانده بود دیگر میلی به نوشتن پیدا نکردم تا اینکه سال پیش رمان‌هایم توسط سوره مهر منتشر شد و دوباره علاقه‌مند به نوشتن شدم.

### کدام داستانتان را بیشتر از سایر کتاب‌ها دوست دارید؟

«چوپاچو» را بیشتر از رمان‌های دیگرم می‌پسندم. البته «چارلی» و «دل‌های لزان» را هم دوست دارم و مخاطبان هم از آن‌ها راضی‌اند، اما «چوپاچو» یک جورهای شاهین رهنما را روایت می‌کند و همین موجب می‌شود بیشتر دوستش داشته باشم. از میان دو رمان منتشر نشده‌ام داستان «خوکچی» را بسیار می‌پسندم و مطمئناً خواننده‌های نازنین و فریبخته هم حتماً از آن استقبال خواهند کرد.

### به نظر شما چرا اقبال ناشر به داستان بیشتر از شعر است و مشخصاً می‌شود

داستان کوتاه‌تر بود. بعدها بیشتر فعالیت‌م معطوف به نوشتن نمایش‌نامه برای صداوسیما شد و غیر از چند کتاب «قصه‌های مینا» برای خردسالان، «فربینانه» برای نوجوان و «سب مهران» برای کودکان، فعالیت‌های داستانی دیگری نداشتیم تا اینکه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سه همت برادر ارجمند آقای شام‌آبادی طرح رمان نوجوان امروز را راه انداختند که طرح بسیار خوب و ارزشمندی بود و من ترغیب شدم بنشینم و رمان بنویسم. به واسطه همین طرح در مدت کوتاهی سه رمان برای کانون نوشتم که البته بعدها مسائل و مشکلاتی پیش آمد که منجر به چاپ تنها یک رمانم در انتشارات کانون شد یعنی همان «چارلی».

### برش

هنوز به این باور نرسیده‌ایم که نوجوان‌های ما به سرعت نور در حال فاصله گرفتن از ما هستند. هر روز در هنرستان با نوجوان‌ها سروکار دارم و می‌دانم نوجوان سال‌ها ۹۹ اطلاعاتی دارد و به مسائلی فکر می‌کند که نوجوانان سال ۹۷ و ۹۶ کاملاً با آن بیگانه هستند.

### مسائل مالی تا چه اندازه می‌تواند در بالندگی یکی از این دو نوع نسبت به دیگری تأثیر داشته باشد. مشخصاً در فعالیت خود شما این تأثیر چگونه بود؟

۱۰۰ درصد تأثیر دارد، آن هم در شرایط کنونی و وضعیت اقتصادی حال حاضر. همان‌طور که خودتان بهتر از من می‌دانید بسیاری از اصحاب قلم تنها از راه نوشتن معیشت می‌کنند و عدم‌استقبال مردم از کتاب و در همین راستا ضعیف شدن صنعت نشر موجب می‌شود بعضی دوستان نویسنده حساسیت و جدیت کار را موقتاً فراموش کنند و به اجبار تنها به این مسئله فکر کنند. چه نویسنده که بازار بیشتر طالب آن است و همین یکی از

### نخستین کتاب شما در حوزه نوجوان، رمان «چارلی» بود که بیشتر دیده شد. انتشارات این اثر چه تأثیری در کار شما داشت؟

حقیقتش پس از چارلی آنقدر از ناشرم و برخی دوستان دلگرمی بودم که تا پنج سال

گفت در بخش نوجوان اقبال ناشر نسبت به رمان نوجوان بیشتر است تا به مجموعه شعر نوجوان. آیا این عدم‌اقبال شامل مخاطب هم می‌شود؟

به دلیل عملکرد بد ناشران و کج‌سلیقگی و عدم‌شناخت برخی شاعران در بخش شعر کودک و نوجوان این اتفاق افتاده است. ما هنوز به این باور نرسیده‌ایم نوجوان‌های ما به سرعت نور در حال فاصله گرفتن از ما هستند. هر روز در هنرستان با نوجوان‌ها سروکار دارم و می‌دانم نوجوان سال‌ها ۹۹ اطلاعاتی دارد و به مسائلی فکر می‌کند که نوجوان سال ۹۷ و ۹۶ کاملاً با آن بیگانه هستند. با این همه بسیاری از شاعران همچنان اصرار دارند در لیوان سال ۶۶ آب بخورند و یا با کفش‌های سال ۷۰ و ۶۶ راه بروند، معلوم است که این شاعران با آن کفش‌های فرسوده‌اش هرگز نمی‌تواند حتی به گسرد نوجوان‌های امروز برسد. در نتیجه کتاب‌هایشان خوانده نمی‌شود و ناشر هم برای اینکه بتواند خودش را سربا نگه دارد دنبال داستان (البته بیشتر ترجمه که آن هم یکی از آفت‌هاست) می‌رود و همین موجب می‌شود سطح مجموعه شعرهای ما هم از لحاظ کمی و هم کیفی پایین بیاید. همین اتفاق با کمی تفاوت در شعر بزرگسال هم اتفاق افتاده است. البته موارد دیگری مثل خودسانسوری از ترس سانسور و قضاوت و همچنین فراوانی شاعران دسته‌چندم که البته فضای مجازی را هم در مشتشان گرفته‌اند و مواردی دیگر به اقبال کم مخاطبان به شعر دامن می‌زند.

### منظور شما از بدسلیقگی ناشران، نرساندن درست اثر به مخاطب نوجوان و نداشتن تبلیغ درست برای مجموعه‌های شعری است؟

عدم‌شناخت بسیاری از ناشران از اثر خوب و ندانستن سره از ناسره و گاه عدم‌شجاعت کافی برای انتشار آثاری است که کمی جسورانه نوشته شده‌اند و برخی مواردی دیگر می‌تواند باشد.

### صحبت پایانی یا حرفی که دوست داشتید در این گفت‌وگو بگویید را می‌نویسم و می‌خوانیم.

آرزوی من کتم وضع نشر ما به سمتی برود که بتواند اشتیاق نوشتن را در نویسندگان و شاعران زنده نگه دارد. حقیقتش این است حالا که تیراز کتاب‌ها این‌قدر پایین آمده و به ۵۰۰ و حتی گاهی به ۲۰۰ جلد رسیده، اصلاً رغبتی برای سپردن اثر به ناشر نمی‌ماند، غیر از دو رمان جدیدم «گشت‌وگذار در آرزوهای تنگ» و «خوکچی».

مجموعه شعرهایی هم آماده چاپ دارم، اما رغبت چندانی برای سپردن به دست ناشر ندارم. امیدوارم اوضاع از آنچه هست، بهتر شود.

### قصه‌های خواندنی، قصه‌های شنیدنی» در کتاب‌فروشی‌ها



**مدرسسه:** چهار جلد دیگر از مجموعه «قصه‌های خواندنی، قصه‌های شنیدنی» با هدف آموزش مفاهیم اجتماعی، ارزشی و علمی به کودکان روانه بازار نشر شد. «دریاچه آب‌ریگ» نوشته نوری‌یجادی، «مرغ افتاد و مرد، خروس غصه خورد» نوشته مصطفی رحماندوست، «همه‌جا، ستاره بود» اثر محمدرضا یوسفی و «دو فسقلی» نوشته زهره پریخ، عناوین چهار جلدی هستند که به تازگی در انتشارات مدرسه منتشر و در دسترس کودکان قرار گرفته است.

این مجموعه با همکاری نویسندگان و تصویرسازان آثار مختلفی را در زمینه‌های داستانی و غیرداستانی به چاپ رسانده که منابع آموزشی برای کودکان پیش‌دبستانی و مهدهای کودک و همچنین کمک به اولیا و مربیان است.

پیشتر از این مجموعه «فیست‌خندان»، «مادر پروانه‌ها»، «دوست بانمک من»، «دوست شیرین‌بیا»، «غیل برقی»، «پیرزن دوچرخه‌سوار»، «سربالایی و سرپایینی»، «در بیان هزارپله»، «بچه زمین» و «آقای هندوانه» تهیه و منتشر شده است.

تمام عنوان‌های یاد شده از مجموعه «قصه‌های خواندنی، قصه‌های شنیدنی» با قطع خشتی، جلد شومیز و ۱۶ صفحه رنگی در فروشگاه‌های سراسر کشور و فروشگاه مجازی انتشارات مدرسه www.enma.ir در دسترس مخاطبان قرار دارد.



وی به شیوه‌های مختلفی که دیگر انتشارات برای شرکت مردم در مسابقه‌های متفاوت فرهنگی در نظر گرفته‌اند اشاره کرد و توضیح داد: برای نخستین بار است که انتشارات سیب‌سرخ چنین مسابقه‌ای را برگزار می‌کند و در راستای ترویج مطالبه گفت: با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشور و اهمیت جدی گرفتن مردم تخفیف ۵۰ درصدی خرید کتاب از این انتشارات و جواز دیگری را در نظر گرفته‌ایم. به گفته مدیر روابط عمومی انتشارات سیب‌سرخ، آثار برگزیده در قالب کتابی منتشر می‌شود، همچنین اگر نمایشگاه کتاب تهران در سال جاری به صورت حضوری برگزار شود، نمایشگاهی از آثار منتخب در غرفه انتشارات سیب‌سرخ دایر خواهد بود.

جورابراهیمیان بیان کرد: در سال جاری به خاطر شیوع بیماری کرونا زمان دقیق نمایشگاه کتاب تهران مشخص نیست، اما مزمنه‌هایی برای برگزاری آنلاین این نمایشگاه شنیده می‌شود، چنانچه نمایشگاه امسال به صورت آنلاین برگزار شود، احتمالاً ما نیز نمایشگاه آثار منتخب عکاسی را به صورت آنلاین و مجازی برگزار می‌کنیم.

### کتابی در پاسخ به پرسش‌ها و نگرانی‌های کودکان



**افق:** برهم‌خوردن روال عادی زندگی موجب عدم‌انگیز و آشفتگی ذهنی کودکان می‌شود و در ماه‌های اخیر ویروس کرونا زندگی بچه‌های جهان را دگرگون کرده است. در این وضعیت اگر والدین نتوانند دغدغه‌های ذهنی فرزندان‌شان را تشخیص دهند و پاسخ‌گویی مناسبی نداشته باشند، کودکان در تنظیم هیجان و سازگاری با بحران دچار مشکل خواهند شد. والدین می‌توانند با گسترش دایره شناختی خودشان و انتقال درست اطلاعات به کودکان، گذر از این بحران را ساده‌تر کنند. نشر افق با ترجمه و انتشار رایگان کتاب «ویروس کرونا و پرسش‌ها و نگرانی‌های من» اثر الیزابت چتر، کیت ویلسون، نیا رابرتس با تصویرگری آکسل شفلر برای برطرف کردن دغدغه‌های ذهنی کودکان به کمک والدین آمده است. آکسل شفلر، تصویرگر کتاب گروفالو که جزو کتاب‌های محبوب کودکان ایرانی است، در این کتاب تلاش کرده با شوخ‌طبعی و ویژگی‌های مثبت زندگی روزگار قرنطینه تأکید کند و لحظه‌هایی خوشایند برای مخاطبان خلق کند. کودکان پس از خواندن این کتاب می‌توانند ایده‌هایی برای اداره موثر و رضایت‌بخش زندگی‌شان پیدا کنند.

کتاب «ویروس کرونا و پرسش‌ها و نگرانی‌های من» با ترجمه ثمنین نبی‌پور رایگان از طریق وبسایت نشر افق و کانال تلگرام نشر افق + کتاب‌های فندق در دسترس عموم قرار گرفته است.

### هنرهای تجسمی

**ایده جالب انتشارات «سیب‌سرخ» برای رعایت فاصله اجتماعی**  
**رومی بالکن عکاسی کنید و جایزه بگیرید**

**مه‌پدی قمری:** انتشارات سیب‌سرخ با ایده‌های جالب و جدید اقدام به برگزاری مسابقه عکاسی آن هم با دوربین عکاسی تلفن‌همراه کرده و فراخوان آن را از ۲۶ فروردین ماه سال جاری در فضای مجازی اعلام کرده است.

مدیر روابط عمومی انتشارات سیب‌سرخ در گفت‌وگو با خبرنگار ما با اشاره به این مطلب گفت: با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشور و اهمیت جدی گرفتن مردم در رعایت فاصله اجتماعی، تصمیم گرفتیم مسابقه عکاسی با عنوان «در خانه بمانیم از نگاه دوربین» برگزار کنیم. زکیه جورابراهیمیان یکی از محورهای این مسابقه با عکاسی با تلفن‌همراه از بالکن منازل یا پشت پنجره عنوان کرد و افزود: قصد داریم مردم را از طریق عکاسی با تلفن‌همراه برای گرفتن عکس و ارسال آن به مسابقه، با این موضوع درگیر کنیم، بنابراین عکاسی با تلفن‌همراه را برای تداوم قرنطینه در خانه برای این مسابقه انتخاب کردیم. همچنین «عکس با رعایت آیین‌ها و رسوم نوروز در روزهای قرنطینه با ماندن در خانه» و «در خانه بمانیم و محیط خانه را برای خود و اطرافیانمان زیبا کنیم» از دیگر محورهای است که علاقه‌مندان می‌توانند سوره‌های عکاسی خود را در این موضوعات تا ۱۶ اردیبهشت‌ماه به ایمیل انتشارات سیب‌سرخ به نشانی